

بررسی انگاره تواتر قرائات*

سید رضا مؤدب** علیرضا محمدی فرد***

چکیده

یکی از مباحث مهم علوم قرآنی، بحث قرائات و تواتر آن است. اهمیت این بحث از آن روست که قائلان به تواتر قرائات با استشهاد به لزوم تواتر قرآن، لازم می‌دانند قرائات نیز همچون متن قرآن دارای تواتر باشد؛ زیرا تحقق تواتر متن قرآن تنها از راه تواتر قرائات ممکن است. آنها ادله‌ای نیز بر اثبات تواتر قرائات اقامه کرده‌اند، لکن این ادله معتبر نیست و پیش‌فرض قائلان آن نیز که بر اتحاد قرآن و قرائات است، مخدوش است؛ از این رو، می‌توان گفت دلیل معتبری بر تواتر قرائات اقامه نشده است. با بررسی تاریخیچه طرح این اصطلاح در کتب علوم قرآنی و کتب اصولی، چنین به دست می‌آید که انگاره تواتر قرائات از سوی متأخران از دانشمندان اهل سنت مطرح گشته است و آنچه به درستی در عبارات پیشینیان به چشم می‌خورد، اصطلاح شهرت قرائات است. تفاوت شهرت قرائات با تواتر قرائات در آن است که تواتر مصطلح، به معنای متواتر بودن سند قرائات تا پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است، ولی قرائت مشهور به قرائتی گفته می‌شود که در میان عامه مردم مقبول واقع شده و مردم آن را از نسلی به نسل دیگر منتقل کرده باشند، و این قرائت طبق نظر صحیح، همان قرائت عاصم به روایت حفص است. **واژگان کلیدی:** قرآن، قرائات، تایخیچه قرائات، تواتر قرائات، قرائت عاصم، روایت حفص.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۲۲ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۴/۳

** استاد دانشگاه قم Ir.reza@moaddab (نویسنده مسئول)

*** دانش‌آموخته سطح سه مرکز تخصصی علوم قرآنی و تفسیر حوزه علمیه قم. mohammadi.fardalireza@yahoo.com

مقدمه

اجماع قرآن‌پژوهان مسلمان بر آن است که متن قرآن به تواتر به ما رسیده است و یکی از راه‌هایی که بیشتر دانشمندان اهل سنت از قرن ۶ یا ۷ ق به آن متمایل گشته‌اند و برخی علمای شیعه نیز آن را پذیرفته‌اند، اثبات تواتر قرآن از طریق اثبات تواتر قرائات است. ابوشامه در المرشد الوجیز و ابن جزری در النشر تصریح دارند که اصطلاح تواتر قرائات، توسط دانشمندان متأخر مطرح گشته است.

با توجه به آثار و شواهد موجود، اصطلاح تواتر قرائات هیچگاه مورد اتفاق قرآن‌پژوهان واقع نشد. نخستین نقدی که از سوی دانشمندان اهل سنت بر این قول صورت گرفته، نقد فخر رازی است. بعد از او، ابن حاجب و دیگر دانشمندان اهل سنت نیز به طرق مختلف با مقید کردن یا رد صریح تواتر قرائات، به گونه‌ای با این دیدگاه مخالفت کرده‌اند. گرچه برخی دانشمندان شیعه از جمله علامه حلی و شهید اول به آن متمایل شدند، ولی نمی‌توان مدعی شد که قول اکثر دانشمندان شیعه بر تواتر قرائات بوده است.

در نوشتار حاضر، ابتدا تاریخچه قول به تواتر قرائات و ادله قائلان آن مورد بررسی قرار می‌گیرد و در ادامه با استقرا در کتب دانشمندان متقدم علوم قرآنی و علم اصول، چنین نتیجه گرفته می‌شود که باید مفهوم اصطلاح تواتر قرائات مورد بازخوانی مجدد قرار گیرد و با رجوع به اصطلاح دانشمندان متقدم، قول صحیح در این زمینه اتخاذ شود.

۱. مفهوم‌شناسی واژه تواتر و قرائات

در ابتدا لازم است واژه تواتر و قرائات به لحاظ لغوی و اصطلاح علم قرائات مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۱. واژه تواتر

۱-۱-۱. تواتر در لغت

تواتر از ماده وتر - به کسر یا فتح واو - به معنای «یکی» و «فرد» است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸، ۱۳۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵، ۲۷۳). این واژه با رفتن به باب تفاعل، معنایی افزوده پیدا کرده و در معنای در پی هم آمدن (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸، ۱۳۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵، ۲۷۵) یا یکی پس از دیگری در پی هم آمدن به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۵۳).

۲-۱-۱. تواتر در اصطلاح

تواتر در اصطلاح علم اصول و علم حدیث، وصف خبری است که جماعتی کثیر، یکی پس از دیگری نقل کرده باشند، به گونه‌ای که گمان تبانی آنها بر دروغ و اشتباه منتفی باشد (ماوردی، ۱۴۰۹: ۱، ۱۱۳؛ زرکشی، ۱۴۲۱: ۳، ۲۹۶). برخی نیز آن را وصف خبری دانسته‌اند که علاوه بر دارا بودن شرط مذکور، از سخن آنان علم حاصل شود (سید مرتضی، ۱۳۴۸: ۲، ۴۸۲ و ۴۸۸-۴۸۹؛ حلی ۱۴۲۵: ۳، ۲۹۹؛ غزالی، ۱۴۱۷: ۱۰۶)؛ بنابر این تعریف، متواتر روایتی است که در تمامی طبقات آن، ناقلان به تعدادی باشند که توافق آنها بر کذب به طور عادی محال باشد و موجب علم گردد (مامقانی، ۱۴۱۱: ۱، ۸۹ و ۹۰؛ سیوطی، بی‌تا: ۲، ۱۷۶؛ طحان، بی‌تا: ۱۱). دانشمندان علم قرائت نیز همین معنای تواتر را در مورد قرائت قرآن حفظ کرده و به کار برده‌اند. ایشان قرائت متواتر را قرائتی دانسته‌اند که جمعی که تبانی بر کذب در ایشان امکان نداشته باشد، از مثل خود - تا انتها - از نبی اکرم ﷺ نقل کرده باشند (ابن جزری، ۱۴۱۹: ۱۸؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ۱، ۲۶۱؛ زرکشی، ۱۴۱۰: ۱، ۴۲۳؛ بیلی، بی‌تا: ۷۶).

۲-۱-۲. واژه قرائات

۱-۲-۱. قرائات در لغت

«قراءات» جمع «قراءة» است و برای این واژه سه معنا بیان شده است:

۱. جمع کردن (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۵، ۷۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱، ۱۲۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۶۸).

طبق این معنا، قرائت در اصل به معنای خواندن نیست، بلکه از آن‌رو که قاری در هنگام خواندن قرآن، حروف و کلمات آن را به یکدیگر ضمیمه می‌کند، بر خواندن، اطلاق قرائت شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱، ۱۲۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۶۸).

۲. خواندن و تلاوت کردن (صالح، ۱۳۷۲: ۱۹؛ سبزواری، ۱۳۸۳: ۴، ۴۱۹).

طبق این معنا خواندن، معنای اصلی قرأ است نه معنای لازمی آن. صبحی صالح این معنا را معنای اصلی این ماده می‌داند و می‌گوید: «قرأ» به معنای «تلا» در میان عرب قبل از اسلام رایج بوده است (صالح، ۱۳۷۲: ۱۹ و ۲۰).

۳. خواندن همراه با فهم

علامه عسکری با استشهاد به استعمالات واژه «قراءة» در قرآن، روایات و در زمان صحابه می‌گوید: قرائت در زمان پیامبر ﷺ و صحابه به معنای خواندن همراه با فهم معنای آیات بوده است، نیز «اقراء» به معنای تعلیم لفظ قرآن همراه با معانی آیات بوده است و «مقرئ» به کسی اطلاق می‌شد که خواندن قرآن را همراه با تفسیر آیات به دیگران می‌آموخت (عسکری، ۱۴۱۶: ۱، ۲۸۹ - ۲۹۸).

۲-۱. قرائات در اصطلاح

تعاریف مختلفی برای اصطلاح «قرائت» در کتب قرائات و علوم قرآن مطرح شده است. در ادامه به سه نمونه از آنها اشاره می‌کنیم:

ابن جزری می‌گوید: قرائات عبارت است از علم به چگونگی تلفظ کلمات قرآن و اختلاف آن کلمات، در حالی که به ناقلش نسبت داده شده است (ابن جزری، ۱۴۱۹: ۴۹).

زرکشی قرائات را چنین تعریف می‌کند: قرائات عبارت است از اختلاف الفاظ وحی نازل بر پیامبر ﷺ از جهت نوشتن حروف و کیفیت حروف از قبیل تخفیف، تثقیل و امثال اینها، که از سوی قراء نقل شده است (زرکشی، ۱۴۱۰: ۱، ۴۶۵).

عبد الهادی فضلی می‌گوید: قرائت عبارت است از بازگویی الفاظ قرآن همان‌گونه که پیامبر اکرم ﷺ خود تلفظ فرموده است یا در محضر مبارکش تلفظ شده و ایشان تقریر کرده‌اند؛ خواه یک قرائت باشد یا قرائت‌های متعدد (فضلی، ۱۴۰۵: ۵۶).

نکات تأمل برانگیز در تعاریف مذکور به شرح ذیل است:

۱. سماع و شنیدن در قرائت رکن اساسی است؛ یعنی قاریان بعدی باید قرائت خود را منسوب به قراء اولیه کنند و حق اجتهاد ندارند. با توجه به معنای مذکور، هر روشی که مستند به قراء نباشد، قرائت قرآن تلقی نمی‌گردد. البته سخن صحیح آن است که شرط سماعی و غیر اجتهادی بودن در نقل قرائت نه تنها تا قراء اولیه، بلکه باید تا شخص پیامبر اکرم ﷺ ادامه داشته باشد و تنها تعریف سوم به این مطلب تصریح دارد.

۲. در تعریف زرکشی قرائات منحصر به آن دسته از الفاظ قرآن کریم شده است که در نحوه خواندن آنها اختلاف است، در حالی که دایره علم قرائت شامل موارد غیر اختلافی نیز می‌شود؛ از این رو، دانشمندان قرائت در مورد قرائات وارده از الفاظ قرآن، از دو اصطلاح

۱۳ / بررسی انگاره تواتر قرائات قرآنی

«متفق علیه بین القراء» و «مختلف فيه بين القراء» استفاده می‌کنند (ر.ک: دمیاطی، ۱۴۲۲: ۳۱ و ۷۲ و ۷۴)؛ بنابراین، قرائات غیر از اختلاف قرائات است. قرائات ناظر به تعدد قرائت منسوب به هر یک از قراء است اعم از اینکه متفق علیه باشد یا مختلف فيه، ولی اختلاف قرائات ناظر به قرائاتی است که مختلف فيه باشد.

۳. امتیاز دیگر تعریف آخر از دو تعریف دیگر این است که در این تعریف، هم به نظر اهل سنت توجه شده است و هم به نظر شیعه؛ چرا که اهل سنت قائل به تعدد قرائات از جانب خداوند هستند و شیعه قائل به قرائت واحد است.

۲. تاریخچه پیدایش اصطلاح تواتر قرائات

۱-۲. نبود اصطلاح تواتر قرائات در کتب دانشمندان متقدم

با مراجعه به کتب اولیه‌ای که در زمینه قرائات نگاشته شده است، دیده می‌شود که اصطلاح «قرائات مشهور» در مورد قرائات سبعة یا عشرة به کار رفته و در مقابل، به دیگر قرائات، قرائات شاذ اطلاق شده است و در هیچ‌یک از آن کتب، اصطلاح «متواتر» در مورد قرائات به کار نرفته است. در کتاب قرائات ابن مجاهد (۳۲۴ق) نیز تواتر مطرح نیست، بلکه قرائت ناس یا همان شهرت مطرح است. بررسی کتاب او نشان می‌دهد که یکی از ملاک‌های عدم مقبولیت قرائت در نزد وی که باعث شذوذ قرائت می‌گردد، عدم صحت اسناد آن است نه عدم تواتر (ابن مجاهد، ۱۴۰۰: ۴۴ و ۴۵؛ همان، مقدمه شوقی ضیف: ۲۶ - ۳۳). ابن جنی (۳۹۲ق) نیز سخنی از تواتر قرائات به میان نیاورده و شاذ بودن قرائت را به معنای ضعف سندی آن ندانسته است، بلکه آن را به معنای اندک بودن شیوع قرائتی در مقایسه با قرائات سبعة دانسته است (ابن جنی، ۱۴۲۰: ۱، ۳۱ و ۳۲). ابن خالویه (۳۷۰ق) در الحجة فی القرائات السبع اصطلاح «مشهور» را در مورد قرائات مقبول به کار برده و یکی از ملاک‌های مقبولیت قرائت را صحت نقل آن دانسته است و سخنی از تواتر به میان نیاورده است (ابن خالویه، ۱۴۲۱: ۶۱ و ۶۲). ابو علی فارسی (۳۷۷ق) نیز در الحجة للقراء السبعة سخنی از تواتر قرائات به میان نیاورده و گفته است: در این کتاب درباره قراء منتخب توسط ابن مجاهد بحث می‌کنیم. از کلمات باقلانی (۴۰۳ق) در جای جای کتابش به دست می‌آید که مراد از تحقق تواتر متن قرآن تا زمان ما، اجماع امت است و سخنی از تواتر قرائات در آن

نیست (باقلانی، ۱۴۲۲: ۱، ۹۷ - ۹۹ و ۲۶۶) و مکی بن ابی طالب (۴۳۷ق) قرائات سبعة را با عنوان «السبعة المشهورین» یاد می‌کند (مکی بن ابی طالب، ۱۴۰۲: ۱۷۲). ابوالعباس احمد بن عمار المهدوی (۴۴۰ق) نیز در کتاب خود یکی از شروط مقبولیت قرائت را صحت نقل آن می‌داند و سخنی از تواتر قرائات به میان نمی‌آورد (مهدوی، ۱۴۱۸: ۳۰). جوینی (۴۸۷ق) در کتاب البرهان فی اصول الفقه مسئله تواتر قرآن و راه اثبات آن را مورد بررسی قرار داده و سخنی از تواتر سند قرائات به میان نیاورده است و نهایت چیزی که در این مقام گفته، این است که قرآن باید به صورت متواتر به ما برسد و راه تواتر دو قسم است: ۱- تواتر در میان مردم (مانند خبر دادن از وجود شهرهای بزرگ)؛ ۲- تواتر در میان گروهی خاص (که ظاهراً تواتر مصطلح مرادش باشد) (جوینی، ۱۴۱۸: ۱، ۴۱۰ - ۴۱۴). نیز احمد بن ابی عمر، معروف به اندرابی (قرن چهارم)، نام کتاب خود را قرائات القراء المعروفین بروایات الرواة المشهورین گذاشته است. همچنین ابوشامه (۶۶۵ق) در کتاب خود، اصطلاح مشهور و مجمع علیه را در مورد قرائات صحیح به کار برده است (ابوشامه مقدسی، ۱۴۲۴: ۱۲۳ و ۱۲۴). دمیاطی (۱۱۱۷ق) هم در مورد قراء و هم راویان آنها، اصطلاح مشهورین را به کار می‌برد (دمیاطی، ۱۴۲۲: ۱، ۷ و ۱۵۳). همچنین در هیچ‌یک از کتب تفسیری، فقهی و اصولی علمای متقدم شیعه و سنی، اصطلاح تواتر قرائات به چشم نمی‌خورد. از هیچ یک از ائمه قرائات سبعة نیز نقل صحیحی که دال بر ادعای تواتر قرائت وی از پیامبر ﷺ باشد، وجود ندارد (معرفت، ۱۴۱۵: ۲، ۶۶).

۲-۲. زمان و علت پیدایش اصطلاح تواتر قرائات

با توجه به تصریح ابوشامه (۶۶۵ق) در المرشد الوجیز و ابن جزری در النشر به اینکه اصطلاح تواتر از سوی بعضی از متأخرین مطرح شده است (ابو شامه مقدسی، ۱۴۲۴: ۱۳۵ و ۱۳۶؛ ابن جزری (الف)، بی‌تا: ۱، ۱۳) و با توجه به آنکه فخر رازی (۶۰۶ق) قول به تواتر تمام قرائات را به اکثر نسبت می‌دهد، سپس به آن اشکال می‌کند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱، ۷۰) و ابن حاجب (۶۴۶ق) نیز در کتاب مختصر الاصول ظاهراً با رویکردی انتقادی قرائات سبعة را در غیر امثال مد، اماله و تخفیف متواتر دانسته است (سبکی، ۱۴۱۹: ۲، ۹۱)، و با توجه به جست و جوی صورت گرفته که نتیجه‌اش، نبود اثری از قول به تواتر قرائات یا نقد

۱۵ / بررسی انگاره تواتر قرائات قرآنی

و رد آن در کتب دانشمندان پیشین بود، می‌توان اطمینان یافت که مسئله تواتر قرائات در قرن پنجم یا ششم مطرح شده و قبل از آن مطرح نبوده است.

با بررسی صورت گرفته در کتب دانشمندان شیعه به نظر می‌رسد، همان‌گونه که برخی بیان کرده‌اند، در میان دانشمندان شیعه، علامه حلی (۷۲۶ق) نخستین کسی است که اصطلاح تواتر را در مورد قرائات سبعة به کار برد (رک: حلی، ۱۴۱۹: ۱، ۴۶۵؛ همو، ۱۴۱۲: ۵، ۶۴؛ همو، ۱۴۲۰: ۱، ۲۴۵؛ همو، ۱۴۱۴: ۳، ۱۴۱) و دیگر علمای شیعه نیز به پیروی از وی، این اصطلاح را به کار بردند (آل عصفور، بی‌تا: ۵۵).

علت تولد این اصطلاح جدید، این بود که برخی از دانشمندان سعی کردند برای دفاع از تواتر و یقینی بودن قرآن، اصطلاح «قرائات متواترة» را جایگزین «قرائات مشهورة» کنند؛ با این پیش‌فرض که تواتر قرآن تنها با تواتر قرائات دفاع‌پذیر است و قرآن و قرائات دارای حقیقتی واحد هستند. این مسئله به عنوان دلیلی بر تواتر تمام قرائات در کلام فخر رازی مطرح و نقد شده است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱، ۷۰) و سبکی در حاشیه‌اش بر مختصر ابن حاجب، و ابن جزری در منجد المقرئین به آن استناد کرده‌اند (سبکی، ۱۴۱۹: ۲، ۹۱ - ۹۳؛ ابن جزری، ۱۴۱۹: ۸۰).

۳-۲. برخورد انتقادی دانشمندان با نظریه تواتر قرائات

از ابتدای طرح نظریه تواتر قرائات، دانشمندان مسلمان به انحاء مختلف به نقد آن پرداختند. با توجه به آثار موجود، نخستین نقدی که از سوی دانشمندان اهل سنت بر این قول صورت گرفته، نقد فخر رازی است. وی ترجیح برخی قرائات بر برخی دیگر را منافی با تواتر تمام قرائات می‌داند و قول به تواتر برخی از قرائات را، راه حل این مشکل می‌داند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱، ۷۰).

بعد از او، ابن حاجب دومین شخص است که با محدود کردن دایره قرائات متواتر، قول به تواتر تمام قرائات را ناصحیح می‌داند (سبکی، ۱۴۱۹: ۲، ۹۱ - ۹۳). از آنجا که ابن حاجب متوجه اثبات ناپذیر تواتر تمام قرائات بود، سعی کرد با مقید کردن تواتر قرائات به غیر از مواردی مانند مد، اماله و تخفیف، همچون فخر رازی هم تواتر جمیع قرائات را قبول نکند و هم راهی برای اثبات تواتر قرآن از طریق قرائات باقی بگذارد.

سومین نحوه تقیید تواتر تمام قرائات، راهی است که ابوشامه پیموده است. از نظر وی، آن مقدار از قرائات که بدون اختلاف از طرق مختلف به ما رسیده، متواتر است (ابوشامه مقدسی، ۱۴۲۴: ۱۳۵ و ۱۳۶)؛ یعنی آن قرائاتی که در نقل سندشان از جانب راویان اختلاف رخ نداده است، می‌تواند متواتر باشد نه جمیع قرائات. برخی دانشمندان مانند فیض کاشانی همین مسیر را از طریق دیگر پیموده و نظر چهارمی ارائه کرده‌اند که قدر جامع میان قرائات، متواتر است نه تک‌تک قرائات (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱، ۶۲). آخرین تفسیر از تواتر قرائات، تفسیری است که زرکشی و ابن جزری ارائه کرده‌اند. این تفسیر همان پذیرفتن اثبات ناپذیری تواتر سندی قرائات و بازگشت به اصطلاح دانشمندان متقدم علم قرائات است. ابن جزری در منجد المقرئین به نقل از استادش احمد الخطیب بیان می‌کند که عده‌ای به تواتر قرائات اشکال کرده، گفته‌اند: اخبار وارده از قرائات که دارای سندهای مشخصی در کتب حدیثی و قرائات است، اخبار آحاد هستند و تواتر در تمام طبقات آنها تحقق ندارد، در حالی که ایشان معنای تواتر را در این باب متوجه نشده‌اند و گرنه اشکال نمی‌کردند؛ زیرا مقصود از تواتر در باب قرائات این نیست که سندی که برای قرائات در کتب نقل شده است، متواتر است، بلکه به این معناست که هر قاری که در کتب قرائات به عنوان یکی از قراء مشهور معرفی گردیده است، قرائت خود را از استاد قرائت خود فرا گرفته و به همراه وی، مردمی که این قاری در میان ایشان بوده، آن قرائت را از نسل قبل از خود که استاد قرائتشان همان قاری قبلی بوده گرفته‌اند؛ بنابراین، قرائت در هر سرزمین و عصری، از نسلی از مسلمانان به نسل دیگر منتقل گشته، نه از یک قاری به قاری دیگر و تحقق تواتر به همین امر است (ابن جزری، ۱۴۱۹: ۷۹). نظیر همین سخن را زرکشی در کتاب اصولی خود مطرح کرده است (زرکشی، ۱۴۲۱: ۲، ۲۱۲).

۳. اقوال در مورد تواتر قرائات

تواتر قرائات در دو بازه زمانی قابل بررسی است:

۱. تواتر قرائات از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا قرآء؛

۲. تواتر از زمان قرآء به بعد.

اگرچه تواتر قرائات در همه زمان‌ها، چه قبل و چه بعد از قرآء، باید در نظر قائلان آن اثبات شود و عده‌ای با تواتر قرائات، حتی بعد از زمان قرآء مخالف هستند (از جمله:

بررسی انگاره تواتر قرائات قرآنی / ۱۷

جزایری، ۱۴۰۴: ۲، ۳۵۶؛ خویی، بی تا: ۱۴۹؛ طیب، ۱۳۷۸: ۱، ۲۷ و ۲۸؛ فاضل موحّدی لنکرانی، ۱۳۹۶: ۱۴۳)، ولی سخن قائلان و مخالفان تواتر قرائات بیشتر بر روی قسم اول، یعنی تواتر از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا قرآء متمرکز است؛ زیرا اثبات آن نیاز به ادله و شواهد بیشتر و متقن تری دارد و با مراجعه به کتب قرائات می بینیم که سند قرائات در قسم دوم بسیار روشن تر و تعداد ناقلان آنها بیشتر از قسم اول است؛ از این رو، در ادامه بیشتر بر روی تواتر در قسم اول متمرکز می شویم.

از میان دانشمندان، عده ای تمام قرائات مشهور را به طور مطلق و بدون هیچ قیدی متواتر دانسته اند و عده ای هیچ یک از قرائات را متواتر ندانسته اند؛ عده ای نیز با قیودی، قرائات مشهور را متواتر دانسته اند. در ادامه نام تعدادی از قائلان به هر یک از اقوال مذکور را بیان می کنیم:

۳-۱. قائلان به تواتر تمام قرائات به نحو مطلق

۱-۳. دانشمندان اهل سنت

نووی (۶۷۶ق): وی بیان می کند که تک تک قرائات سبعة متواتر هستند و هر کس خلاف این را گفته باشد یا اشتباه کرده است و یا به مسئله جهل دارد (به نقل از: قابه، ۱۹۹۹: ۱۸۸).

سبکی (۷۷۱ق): وی در کتاب جمع الجوامع علاوه بر متواتر دانستن قرائات عشرة، از کلام ابن حجب که قرائات را در امثال مد، اماله و تخفیف متواتر ندانسته است با عنوان «قیل» یاد کرده و آن را تضعیف کرده است (عطار شافعی، بی تا: ۱، ۲۹۷ و ۲۹۹).

حسن بن محمد بن محمود العطار (۱۲۵۰ق): وی نیز همچون سبکی، قول به تواتر قرائات عشرة را می پذیرد و بر آن تأکید می ورزد و کلام ابن حجب را مردود می داند (عطار شافعی، بی تا: ۱، ۲۹۷ و ۲۹۹).

زرقانی (۱۳۷۲ق): ایشان قرائات عشرة متواتر دانسته، ادله ای بر این امر اقامه کرده است (زرقانی، بی تا: ۱، ۴۳۳ و ۴۳۴).

۲-۳. دانشمندان شیعه

علامه حلی (۷۲۶ق): وی در چندین کتاب خود قرائات سبعة را متواتر و دیگر قرائات را شاذ دانسته است (حلی، ۱۴۱۹: ۱، ۴۶۵؛ همو، ۱۴۱۲: ۵، ۶۴؛ همو، ۱۴۲۰: ۱، ۲۴۵؛ همو، ۱۴۱۴: ۳، ۱۴۱).

شهید اول (۷۸۶ق): وی قرائات عشرة را متواتر دانسته است. (شهید اول، ۱۴۱۹: ۳، ۳۰۵)

شهید ثانی (۹۶۵ق): ایشان در کتب مختلف خود قرائات ده گانه را متواتر دانسته و علاوه بر آن در المقاصد العلیة تصریح کرده است که هر یک از قرائات عشرة را خداوند بر قلب نبی اکرم ﷺ نازل کرده است (شهید ثانی، ۱۴۰۹: ۲۳۱؛ همو، ۱۳۷۸: ۲۴۴ و ۲۴۵). البته باید تذکر داد که کلام ایشان در کتاب اخیر، مجمل است و محتمل است بتوان ایشان را جزء دسته دوم، یعنی قائلان به عدم تواتر جمیع قرائات دانست؛ چرا که از ظاهر کلامشان بر می آید که متفق بین جمیع قرائات مشهور را متواتر بدانند نه تک تک آنها را؛ ولی از آنجا که در دیگر کتب خود به طور مطلق حکم به تواتر قرائات کرده است و از طرفی جمیع قرائات مشهور را نازل یافته از جانب خدا می داند و از طرف دیگر، تکیه بر صحت قول شهید اول دارد، نگارنده احتمال موافقت ایشان با تواتر تمام قرائات را قوی تر دانسته و ایشان را در دسته اول قرار داده است.

شیخ حر عاملی (۱۱۰۴ق): وی از تواتر قرائات مشهور دفاع کرده است. (حر عاملی، ۱۴۲۶: ۱۰۳ - ۱۱۱).

۳-۲. قائلان به عدم تواتر قرائات

برخی از دانشمندان به عدم تواتر قرائات تصریح کرده اند و برخی تصریح نکرده اند، ولی لازمه مطلبی که بیان کرده اند، عدم تواتر تمام قرائات است. در ادامه نام ایشان ارائه می شود:

۱-۲-۳. دانشمندان اهل سنت

ابن جریر طبری (۳۱۰ق): طبری در جاهای مختلف از تفسیر خود، برخی قرائات قراء سبعة را تخطئه کرده، مردود می داند. این نشان گر آن است که وی قرائات سبعة را متواتر نمی داند؛ برای مثال، وی در ذیل آیه «وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّیْهَا...» (بقره: ۱۴۸) بیان کرده است که برخی در این آیه، «وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ» قرائت کرده اند که این قرائت غلط است و از لحاظ معنایی تمام نیست (طبری، ۱۴۱۲: ۲، ۱۸). در صورتی که این قرائت متعلق به ابن عامر، یکی از قراء سبعة، است (مختار عمر و سالم مکرم، ۱۴۱۲: ۱، ۱۲۵).

بررسی انگاره تواتر قرائات قرآنی / ۱۹

مکی بن ابیطالب (۴۳۷ق): وی با برشمردن صحت سند قرائات تا پیامبر اکرم ﷺ و مطابقت با مصحف و قواعد عربی، قرائاتی را که سند صحیحی داشته باشد ولی مطابقت با رسم مصحف نداشته باشد، خبر واحد می‌شمرد اگرچه از قرائات سبعة باشد (مکی بن ابیطالب، ۱۴۳۲: ۱۵۰ - ۱۵۴)؛ بنابراین، وی وجود شواذ را در قرائات سبعة ممکن می‌داند و این با متواتر دانستن تمام قرائات منافات دارد.

ابو عمرو الدانی (۴۴۴ق): در کتب مختلف وی، سخنی از تواتر قرائات به میان نیامده است و ابن جزری در کتاب النشر به وی نسبت می‌دهد که او شرط مقبولیت قرائت را صحت سند می‌داند نه تواتر (ابن جزری (الف)، بی‌تا: ۱، ۹ و ۱۰).

زرکشی (۷۹۷ق): ایشان قرائات را تا ائمه قرائات متواتر می‌داند، ولی تواتر را تا خود رسول اکرم ﷺ مردود می‌شمارد. (زرکشی، ۱۴۱۰: ۱، ۴۶۶).

ابن جزری (۸۳۳ق): وی در برخی کتبش تواتر را شرط پذیرش قرائت می‌داند و قرائات ده‌گانه را متواتر می‌داند (ابن جزری، ۱۴۱۹: ۱۸)، ولی در کتاب النشر فی القرائات العشر بعد از بیان شروط قرائات مقبول بیان کرده است که حتی اگر قرائات سبعة نیز ضابط صحت سند را نداشته باشند، شاذ به شمار می‌آیند و هر یک از قرائات مشهور و غیر مشهور به شاذ و صحیح تقسیم می‌شوند. وی در نهایت این قول را مذهب علمای سلف از جمله ابو شامه، مکی بن ابی طالب و دانی دانسته، بیان می‌دارد که هیچ‌کس با آن مخالفت نکرده است (ابن جزری (الف)، بی‌تا: ۱، ۹ و ۱۰).

سیوطی (۹۱۱ق): وی قول ابن جزری در النشر را نقل می‌کند و آن را اصح اقوال می‌داند (سیوطی، ۱۴۲۱: ۱، ۲۵۷ و ۲۵۸).

مکی جریسی (۱۳۲۲ق): ایشان شرط مقبولیت قرائت را صحت سند می‌داند و سخنی از تواتر آن به میان نمی‌آورد (مکی جریسی، ۱۴۲۳: ۱۶).

محمد بن صالح بن محمد العثیمین (۱۴۲۱ق): وی سخنی از تواتر قرائات به میان نمی‌آورد و تنها صحت سند و مطابقت با مصحف عثمانی را درباره صحت قرائت مطرح می‌کند (عثیمین، ۱۴۲۸: ۳، ۸۲ و ۸۳).

شیخ حمد بن عبدالله الحمد: وی صحت سند را در پذیرش قرائت کافی دانسته است (حمد، بی‌تا: ۵، ۵۹).

۲۰ / **قرآنی‌پژوهی** سال دوم، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۳

شیخ ولید بن راشد السعیدان: وی معتقد است تواتر در قرآنیت قرائات شرط نیست و صحت سند کافی است (سعیدان، بی‌تا: ۱، ۱۵).
معتزله: در بسیاری از کتب به معتزله نسبت داده شده است که ایشان قرائات را متواتر نمی‌دانند (زرکشی، ۱۴۲۱: ۲، ۲۰۹؛ قابه، ۱۹۹۹: ۱۷۹).

۲-۲-۳. دانشمندان شیعه

شیخ صدوق (۳۸۶ق): ایشان نزول قرآن بر قرائت واحد را از اعتقادات شیعه بر شمرده است. روشن است که با اعتقاد به نزول واحد قرآن نمی‌توان تواتر همه قرائات مشهور را پذیرفت (شیخ صدوق، ۱۴۱۴: ۸۶).
شیخ طوسی (۴۶۰ق): وی در مقدمه تفسیر تبیان نزول قرآن را بر قرائت واحد دانسته است (طوسی، بی‌تا: ۱، ۷).
امین الاسلام طبرسی (۵۴۸ق): ایشان نیز در مقدمه تفسیر مجمع البیان همچون شیخ طوسی، قول به نزول قرآن به قرائت واحد را اختیار کرده است (طبرسی، ۱۴۱۵: ۱، ۳۸).
شیخ رضی (۶۸۶ق): ایشان در نقد قرائت ابن عامر، تصریح می‌کند که قول به تواتر قرائات صحیح نیست (شیخ رضی، ۱۳۹۵: ۲، ۲۶۱).
محقق اردبیلی (۹۹۳ق): ایشان قول به تواتر قرائات را باطل دانسته و ادله قائلان آن را رد کرده است (محقق اردبیلی، ۱۴۰۳: ۲، ۲۱۷).
علامه مجلسی (۱۰۷۰ق): ایشان بعد از نقل روایتی درباره نزول قرآن به قرائات متواتر، آن را مخالف با مذهب شیعه دانسته، بیان کرده است که عقیده شیعه بر نزول قرآن بر قرائت واحد است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۲، ۶۵ و ۶۶).
سید نعمت الله جزائری (۱۱۱۲ق): ایشان به طور مفصل به رد ادله قائلان به تواتر قرائات پرداخته و اعتقاد شیعه را بر نزول قرآن بر قرائت واحد دانسته است (جزائری، ۱۴۰۴: ۲، ۳۵۶).
صاحب جواهر (۱۲۶۶ق): وی تواتر قرائات را باطل دانسته و تصریح کرده بسیاری از دانشمندان، قول به تواتر قرائات را باطل می‌دانند (نجفی، ۱۳۶۵: ۹، ۲۹۵).
شیخ انصاری (۱۲۸۱ق): وی قول به تواتر قرائات را باطل دانسته، ادله قائلان آن را نقل و رد نموده است (انصاری، ۱۴۱۵: ۱، ۳۶۲ و ۳۶۳).

۲۱ / بررسی انگاره تواتر قرائات قرآنی

آخوند خراسانی (۱۳۲۹ق): ایشان نیز صریحاً بیان کرده است که نمی‌توان قول به تواتر قرائات را پذیرفت (خراسانی، ۱۴۰۹: ۲۵۸).

علامه بلاغی (۱۳۵۲ق): ایشان تواتر قرائات را مردود دانسته است (بلاغی نجفی، ۱۴۲۰: ۱، ۳۰).

آیت الله خویی (۱۴۱۳ق): ایشان تواتر قرائات را باطل دانسته و بیان کرده است که بسیاری از دانشمندان اهل سنت و شیعه تواتر قرائات را قبول ندارند (خویی، بی‌تا: ۱۲۳).

۳-۳. قائلان به تواتر قرائات به صورت مقید

فخر رازی (۶۰۶ق): وی با نقد تواتر تمامی قرائات مشهور، این قول را مطرح می‌کند که آنچه از میان این قرائات متفق علیه است، متواتر و باقی آن خبر واحد است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱، ۷۰). ابن حاجب (۴۴۶ق): وی در کتاب مختصر الاصول قرائات سبعة را در غیر امثال مد، اماله و تخفیف متواتر دانسته است (سبکی، ۱۴۱۹: ۲، ۹۱ - ۹۳).

ابوشامه (۶۶۵ق): ایشان قول به تواتر تک تک قرائات را منسوب به غیر اهل تحقیق می‌داند و آن مقدار از قرائات را که بدون اختلاف از طرق مختلف خود به ما رسیده است، متواتر می‌داند (ابوشامه مقدسی، ۱۴۲۴: ۱۳۵ و ۱۳۶).

ابن خلدون (۸۰۸ق): وی بیان کرده است که قرائات مشهور در غیر امثال مد و تسهیل متواتر هستند (ابن خلدون، بی‌تا: ۱، ۴۳۷).

فیض کاشانی (۱۰۹۱ق): ایشان بر این رأی است که قدر جامع میان قرائات، متواتر است نه تک تک قرائات (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱، ۶۲).

۴. ادله تواتر قرائات و نقد آن

۴-۱. ادعای اجماع

برخی همچون شیخ حرّ عاملی قائل به اجماع علمای شیعه و سنی بر تواتر قرائات هستند (عاملی، ۱۴۲۶: ۱۰۶) و برخی قول به تواتر قرائات را به جمهور علمای شیعه نسبت داده و از نظر ایشان مخالفان تواتر انگشت شمارند (مجدد عباسی، ۱۳۷۵: ۱، ۹۲).

پاسخ این ادعا از مطالب پیشین روشن شد؛ زیرا بسیاری از دانشمندان شیعه و سنی مخالف تواتر قرائات هستند و برخی همچون صاحب جواهر، آیت الله خویی و آیت الله

معرفت تصریح دارند که بسیاری از علمای شیعه و سنی مخالف تواتر قرائات هستند (نجفی، ۱۳۶۵: ۹، ۲۹۵؛ خویی، بی‌تا: ۱۲۳؛ معرفت، ۱۴۱۵: ۲، ۴۷ و ۴۸).

۴-۲. روایات دال بر نزول قرآن بر چند قرائت

برخی برای اثبات تواتر قرائات به روایاتی متمسک شده‌اند که از طریق اهل سنت و شیعه نقل شده است و مضمون آنها این است که قرآن بر چند قرائت نازل شده است و قرائات مختلف، حاکی از قرائت‌های مختلف نازل شده قرآن است. در اینجا برای نمونه به نقل روایتی که شیخ صدوق در کتاب خصال آورده و نظیر آن در صحیح بخاری نقل شده است، بسنده می‌کنیم: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: فرستاده‌ای از نزد خداوند آمد و گفت: خدا به تو امر می‌کند که قرآن را بر یک حرف بخوانی. به او گفتم: پروردگارا بر من توسعه بده! آن فرستاده گفت: خداوند امر می‌کند که قرآن را بر یک حرف بخوانی. من گفتم: پروردگارا بر امت من توسعه بده! آن فرستاده گفت: خداوند امر می‌کند که قرآن را بر یک حرف بخوانی. سپس من گفتم: پروردگارا بر امت من توسعه بده! او گفت: خداوند امر می‌کند که قرآن را بر هفت حرف بخوانی (شیخ صدوق، ۱۳۶۲: ۲، ۳۵۸، حدیث ۴۴؛ نیز ر.ک: بخاری، ۱۴۲۲: ۴، ۸۰، کتاب بدء الخلق).

در پاسخ باید گفت اولاً این روایات دلالتی بر تحقق تواتر قرائات ندارد. ثانیاً این روایات قابل استناد نیست؛ چرا که از دو جهت سندی و دلالی مخدوش هستند:

۱. به لحاظ سند؛ این روایات هرچند در کتب اصلی روایی اهل سنت نقل شده است، لیکن نه تنها تواتر بلکه حتی صحت سند این روایات در منابع روایی خود اهل سنت قابل خدشه است. آیت الله خویی به ضعف سند این روایات اشاره می‌کند و این عامل را اولین عامل سقوط اعتبار این روایات برمی‌شمرد (خویی، بی‌تا: ۱۷۷). علامه عسکری نیز پس از بحثی مفصل درباره این احادیث، آنها را ساخته دست زنادقه می‌داند که این روایات را وارد احادیث اهل سنت کرده‌اند (عسکری، ۱۴۱۶: ۲، ۱۸۸ و ۱۸۹). دکتر علی الصغیر نیز این روایات را دچار ضعف سند می‌داند و کثرت نقل این روایات را دلیل بر پذیرش آنها نمی‌داند (صغیر، ۱۴۲۰: ۹۹ و ۱۰۰). نقل آنها در کتب شیعه نیز - از طریق کتب اصلی روایی صورت نگرفته است و نقل آنها در دیگر کتب روایی شیعه نیز دچار ضعف سند است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۰، ۴؛ صفار، ۱۴۰۴: ۱، ۱۹۶؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۱، ۱۲؛ شیخ صدوق، ۱۳۶۲: ۳۵۸،

۲۳ / بررسی انگاره تواتر قرائات قرآنی

حدیث ش: ۴۳ و ۴۴؛ از این رو، تعدادی از دانشمندان شیعه همچون محدث نوری، آیت الله خویی، علامه عسکری و آیت الله معرفت به عدم صحت این روایات در منابع شیعه تصریح کرده‌اند (نوری، بی‌تا: ۲۰۹ و ۲۱۰؛ خویی، بی‌تا: ۱۷۷؛ عسکری، ۱۴۱۶: ۲، ۱۸۸ و ۱۸۹؛ معرفت، ۱۴۱۵: ۲، ۹۳ و ۹۴) و برخی نیز همچون شیخ صدوق، شیخ طوسی، امین الاسلام طبرسی و علامه مجلسی با استناد به روایتی از امام پنجم و امام ششم (علیه السلام) رسیده که دال بر نزول قرآن بر یک حرف است (کلینی، ۱۴۲۹: ۴، ۶۶۴ و ۶۶۵، باب النوادر)، بیان کرده‌اند که شیعه قائل به نزول قرآن بر یک حرف است (شیخ صدوق، ۱۴۱۴: ۸۶؛ طوسی، بی‌تا: ۱، ۷؛ طبرسی، ۱۴۱۵: ۱، ۳۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۲، ۶۵ و ۶۶، باب ۲۳).

۲. به لحاظ دلالت؛ مضمون روایات نزول قرآن بر هفت حرف باعث سرگردانی بسیاری از دانشمندان اهل سنت شده است، تا آنجا که برخی از ایشان برای این روایات تا چهل تفسیر نقل کرده‌اند (سیوطی، ۱۴۲۱: ۱، ۱۷۲). آیت الله خویی و علامه عسکری درباره معانی بیان شده برای سبعة احرف گفته‌اند: هیچ یک از معانی مذکور بدون اشکال نیست و معنای محصلی از این روایات به دست نمی‌آید (خویی، بی‌تا: ۱۷۸؛ عسکری، ۱۴۱۶: ۲، ۱۴۶)؛ بنابراین، روایات سبعة احرف به لحاظ معنایی مجمل بوده، حمل آنها بر این معنا که قرآن بر هفت حرف نازل شده و خداوند اجازه داده است که طبق هریک از آنها که خواستیم قرآن را قرائت کنیم، تنها یک احتمال از میان احتمالات متعدد است و یقین یا حتی گمان‌آور نیست (برای تفصیل بیشتر، رک: مؤدب، ۱۳۷۸: ۳۵ - ۱۰۰).

۳-۴. اهتمام مردم به نقل قرآن در تمام اعصار

برخی دانشمندان بیان کرده‌اند که با توجه به شواهد روایی و تاریخی موجود، مسلمانان در تمام دوره‌ها از زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) تا کنون، اهتمام زیادی به نقل قرآن داشته‌اند و لازمه این امر تحقق نقل متواتر قرآن است. (عطار شافعی، بی‌تا: ۱، ۲۹۷).

در پاسخ به این دلیل می‌گوییم: اولاً این دلیل می‌تواند لزوم یا تحقق تواتر قرآن را اثبات کند نه قرائات آن را. ثانیاً همان‌گونه که آیت الله خویی بیان کرده است، در صورت قبول این سخن، باید بگوییم تمام قرائات اعم از قرائات سبعة و عشرة و غیر آن، متواتر است؛ زیرا به لحاظ سندی تفاوتی میان این قرائات نیست (خویی، بی‌تا: ۱۵۶)؛ به عبارت دیگر، به لحاظ سندی تفاوتی میان دیگر قرائاتی که خارج از قرائات سبعة یا عشرة هستند

با قرائات سبعة نیست و کار قائلان به تواتر قرائات سبعة یا عشرة مبنی بر اینکه معدودی از آن قرائات را متواتر دانسته‌اند، بی‌دلیل است؛ بنابراین، یا باید تمام قرائات مذکور به متواتر باشد یا هیچ قرائتی متواتر نباشد.

۴-۴. بهترین دلیل بر امکان یک شیء، وقوع آن است

عده‌ای برای اثبات تواتر قرائات چنین استدلال کرده‌اند: وقتی بسیاری از علما تصریح به تواتر سند قرائات دارند و ابن جزری سند تمامی قرائات را به نحو کامل بیان کرده است، این بهترین دلیل برای وقوع تواتر است (قابه، ۱۹۹۹: ۱۹۰).

پاسخ این دلیل نیز روشن است؛ چرا که این دلیل به نوعی مصادره به مطلوب است؛ یعنی اشکال قائلان به عدم تواتر بر سر همین است که وقوع تواتر در سند قرائات محقق نشده است و در این دلیل، بدون اقامه حجت، مدعای تواتر سند قرائات به عنوان دلیل اخذ شده است.

۴-۵. متواتر نبودن قرآن در صورت متواتر نبودن قرائات سبعة

عده‌ای نیز برای اثبات تواتر قرائات به این دلیل تمسک کرده‌اند که اجماع علما بر این است که قرآن باید متواتر باشد؛ بنابراین، قرائات مشهور نیز باید متواتر باشد (سبکی، ۱۴۱۹: ۲، ۹۱ - ۹۳؛ طباطبایی، ۱۲۹۶: ۳۲۲؛ ابن جزری، ۱۴۱۹: ۸۰). سبکی بر همین مبنا بر تواتر قرائات چنین استدلال می‌کند: در صورتی که هر یک از قرائات متواتر نباشد، لازم می‌آید برخی قسمت‌های قرآن که در قرائت آنها اختلاف است (مانند «ملک» و «مالک»)، متواتر نباشد (سبکی، ۱۴۱۹: ۲، ۹۱ - ۹۳). ابن جزری نیز همین دلیل را بیان کرده و در ادامه گفته است: زیرا در این صورت ممکن است دو یا سه قاری یک قرائت را انتخاب کرده باشند، در حالی که با نقل دو یا سه نفر، تواتر حاصل نمی‌شود (ابن جزری، ۱۴۱۹: ۸۰).

این دلیل نیز مثبت مدعا نیست؛ زیرا ملازمه میان مقدم و تالی در دلیل مذکور، به این است که قرآن از طریق قرائت قاریان سبعة به ما رسیده است، در حالی که می‌توان گفت: چنانکه برخی از علمای شیعه و اهل سنت گفته‌اند، قرآن و قرائات دو حقیقت جدا هستند و تلازمی میان تواتر قرآن و قرائات وجود ندارد (زرکشی، ۱۴۱۰: ۱، ۴۶۵؛ دمیاطی، ۱۴۲۲: ۷؛ خویی، بی‌تا: ۱۵۸)، بلکه اصل قرآن به تواتر توسط مسلمانان از نسلی به نسل دیگر

۲۵ / بررسی انگاره تواتر قرائات قرآنی

انتقال یافته است و نهایتاً قاریان تنها واسطه رسیدن برخی خصوصیات قرائت قرآن به ما بوده‌اند و حتی اگر هیچ‌یک از قاریان هفت‌گانه وجود نداشتند، باز به تواتر قرآن آسیبی نمی‌رسید (خویی، بی‌تا: ۱۵۷). ثانیاً این دلیل در مورد قرائات شاذ نیز صادق است و طبق همین دلیل قرائات شاذ نیز باید متواتر باشند. البته ممکن است گفته شود قرائات سبعة از لحاظ سند از قرائات شاذ صحیح‌تر هستند، ولی در جواب می‌گوییم، همان‌گونه که در کتاب البیان آمده است، این امر، دلیل بر خروج قرائات شاذ از تواتر نمی‌شود بلکه باعث می‌شود در مقام عمل، کسی به علت اینکه برخی قرائات اصح سنداً هستند، بر دیگر قرائات ترجیح دهد (خویی، بی‌تا: ۱۵۷).

۴-۶. لزوم حفظ قرآن به حکم عقل و نقل

عبد الحلیم قابه بر اثبات تواتر قرائات چنین اقامه دلیل کرده است: خداوند طبق آیه ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ (حجر: ۹) ضامن حفظ قرآن شده است و عقل حکم می‌کند که غیر ممکن است خداوند ضامن حفظ کتاب خود که حجت برای مردم است شود، ولی آن در بالاترین مراتب حفظ نکند (قابه، ۱۹۹۹: ۱۹۰ و ۱۹۱).

این دلیل نیز برای اثبات تواتر قرائات کافی نیست؛ زیرا بیان می‌دارد که اختلاف قرائات رخ داده است و اگر قرائات متواتر نباشد، لازم می‌آید قرآن تحریف شده باشد، لذا قرائات باید متواتر باشد. حال آنکه اولاً در تواتر قرائات، سخن بر سر تحقق یا عدم تحقق تواتر است و گوینده این دلیل باید بر این امر استدلال آورد نه بر لزوم تواتر قرائات. ثانیاً قائلان به عدم تواتر قرائات خود واقف به این مسئله بوده و اختلاف قرائات را مستلزم عدم تحریف قرآن ندانسته‌اند؛ چنان که برای مثال، علامه بلاغی، علامه طباطبایی و آیت الله خویی، هر یک به گونه‌ای به اثبات عدم تلازم میان اختلاف قرائات و تحریف قرآن پرداخته‌اند (بلاغی، ۱۴۲۰: ۱، ۲۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲، ۱۰۶؛ خویی، بی‌تا: ۱۵۷ و ۱۵۸).

۵. ادله عدم تواتر قرائات

۵-۱. قابل اثبات نبودن تواتر سند قرائات

سند قرائات از نبی اکرم ﷺ تا خود ائمه قرائات و از ائمه قرائات به بعد به حد تواتر نمی‌رسد؛ زیرا با صرف نظر از وثاقت راویان باید تعداد ناقلان قرائت در هر طبقه (چه از

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا ائمه قرائات و چه از ائمه قرائات تا ما) به قدری باشد که عرفاً صدق تواتر کند؛ در صورتی که چنین چیزی در سند این قرائات دیده نمی‌شود؛ زیرا ناقلان اینکه ائمه قرائات، قرائت خود را از صحابی اخذ کرده‌اند، خود ایشان هستند و هر یک از این قرائات از دیگر معاصران ایشان نقل نشده است؛ بنابراین، همان‌گونه که برخی علما اشاره کرده‌اند، بر فرض صحت تواتر قرائات از پیامبر صلی الله علیه و آله تا قراء، در طبقه خود ائمه قرائات، سند قرائت ایشان از نوع خبر واحد است و سند قرائات از ائمه قرائات به بعد نیز در همه طبقات متواتر نیست، بلکه طبق نقل خود کتب قرائات، هر قرائت را نهایتاً دو راوی نقل کرده‌اند که آن دو نیز در مواردی با هم اختلاف دارند (جزایری، ۱۴۰۴: ۲، ۳۵۶؛ خوبی، بی‌تا: ۱۴۹). بسیاری از دانشمندان به این مسئله توجه داشته و قول به تواتر تک‌تک قرائات مشهور را نپذیرفته‌اند. اسامی این گروه، ذیل عنوان قائلان به عدم تواتر قرائات گذشت. ابن جزری در منجد المقرئین اعتراف دارد که اگر قرائتی از دو یا سه راوی نقل شده باشد، تواتر حاصل نمی‌شود (ابن جزری، ۱۴۱۹: ۸۰). حال برای نمونه، سند قرائت عبدالله بن کثیر (۱۲۰ق)، یکی از قاریان هفت‌گانه را طبق کتاب المکرر مورد بررسی قرار می‌دهیم. سند این قرائت بنا به نقل این کتاب به صورت زیر است:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله — ابی بن کعب عبدالله بن سائب — عبدالله بن کثیر شبل — عکرمه بزی (۲۵۰ق).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله — ابی بن کعب عبدالله بن سائب — عبدالله بن کثیر شبل — قسط ابو الخریط — احمد القواس — قنبل (۲۹۱ق).

چنان که ملاحظه می‌شود، سند این قرائت تا دو راوی آن، بزی و قنبل، در تمام طبقات، خبر واحد شمرده می‌شود (مصری انصاری، ۱۴۲۲: ۱۹ و ۲۰). البته در سند این قرائت اختلافاتی وجود دارد که اگر سند همین قرائت را طبق تمامی نقل‌ها نیز لحاظ کنیم، باز در بعضی طبقات، سند این قرائت خبر واحد شمرده می‌شود و به حد تواتر نمی‌رسد.

۲-۵. غیر واقعی بودن سند برخی قرائات

برخی اسنادی که در کتب قرائات برای بیان متصل بودن قرائت یک راوی به پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر شده است، صرفاً اسنادی تشریفاتی و ساختگی می‌دانند. آیت الله معرفت در این‌باره چنین گفته است: حقیقت این است که اسناد مذکور در برخی از کتب قرائات مانند التیسیر،

۲۷ / بررسی انگاره تواتر قرائات قرآنی

التَّحْبِیر و المکرر، تشریفاتی است که مؤلفان بعدی در کتبشان این اسناد را با تکلف ثابت کرده‌اند، در حالی که خود قراء در بیشتر قرائت‌های مورد انتخابشان، چنین ادعایی ندارند، بلکه نویسندگان کتب مذکور، به دلیل بزرگداشت قراء که از شئون بزرگداشت قرآن است، تلاش کرده‌اند قرائت آنها را به پیامبر ﷺ نسبت دهند، وگرنه کمترین تحقیق درباره این اسناد، از واقعیت ناخوشایندی پرده برمی‌دارد؛ برای نمونه، در قرائت عبدالله بن عامر (۱۸ق) که نزدیک‌ترین قراء سبعة به زمان صحابه است، سندی متصل به یکی از صحابه که متخصص در قرائت باشد، نمی‌یابیم. ابن جزری هفت قول را در سندهای او ذکر می‌کند و آخر الامر ترجیح می‌دهد که او قرائت را از مغیره بن ابی شهاب مخزومی آموخته و قرآن را نزد او خوانده است و او نیز از عثمان و عثمان از پیامبر ﷺ آموخته است. نیز از برخی دیگر نقل می‌کند که نمی‌دانند ابن عامر، قرائت را از که آموخته و قرآن را نزد چه کسی خوانده است. از طرفی باید پرسید: مغیره مخزومی که ابن عامر قرائت قرآن را از وی آموخته است، کیست؟ ذهبی می‌گوید: تصوّر می‌کنم او در حکومت معاویه قاری دمشق بوده است و او جز از طریق قرائت ابن عامر شناخته نشده است. چه سخن بی‌اساس و سستی! سند قرائت ابن عامر به استادی مجهول نسبت داده می‌شود که جز از جانب خود ابن عامر شناخته نشده است؟ از طرف دیگر، از کجا به دست آمده که مغیره قرآن را از عثمان آموخته و کدام سندی برای این استادی و شاگردی ساختگی وجود دارد و چه وقت عثمان به آموزش قرائت قرآن اشتغال داشته است؟ (معرفت، ۱۴۱۵: ۲، ۶۳ و ۶۴).

۳-۵. احتجاج بر اثبات برخی قرائات

احتجاج برخی از قاریان برای اثبات قرائت خود و احتجاج راویان ایشان، دلیل بر عدم تواتر برخی قرائات است؛ زیرا در صورت تواتر قرائت از پیامبر اکرم ﷺ، نیازی به دلیل آوردن برای اثبات آن نیست (خویی، بی‌تا: ۱۵۰ و ۱۵۱). توضیح اینکه اگر بنا به مدعای دانشمندان علم قرائت، شرط اصلی در پذیرش یک قرائت، نقل از پیامبر اکرم ﷺ باشد، نیازی نیست که هر قاری آنچه به عنوان قرائت مختار بر می‌گزیند، مستدل کند؛ چرا که همه قرائات، صحیح و منقول از نبی اکرم ﷺ هستند و حجت اقامه کردن بر یک قرائت و نپذیرفتن دیگر قرائات به معنای نپذیرفتن نقل چیزی است که از طریق صحیح از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است.

۴-۵. انکار برخی قرائات از سوی دیگر قاریان و دانشمندان

انکار برخی قرائات از سوی دیگر قاریان یا دانشمندان، دلیل بر عدم تواتر قرائات است؛ زیرا در صورت متواتر بودن قرائات، کسی حق انکار یک قرائت را ندارد (خویی، بی‌تا: ۱۵۱)؛ برای مثال، طبری در ذیل آیه «وَلِكُلِّ وَجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا...» (بقره: ۱۴۸) بیان کرده است که برخی در این آیه، «لِكُلِّ وَجْهَةٍ» قرائت کرده‌اند که این قرائت غلط است و از لحاظ معنایی تمام نیست (طبری، ۱۴۱۲: ۲، ۱۸)؛ در صورتی که این قرائت متعلق به ابن عامر، یکی از قراء سبعة است (مختار عمر و سالم مکرم، ۱۴۱۲: ۱، ۱۲۵). ابن جزری در این باره می‌گوید: برخی از متأخران صحت سند را در شروط مقبولیت قرائت کافی ندانسته، تواتر را شرط دانسته‌اند. اشکال این سخن روشن است؛ زیرا در صورتی که تواتر یک قرائت از نبی اکرم ﷺ ثابت شود، واجب است آن قرائت پذیرفته شود و حکم قطعی شود که قرآن است؛ چه موافق رسم الخط مصحف عثمانی باشد و چه مخالف آن. در صورتی که تواتر را در تک تک حروف شرط بدانیم، بسیاری از حروف اختلافی قرائات سبعة و غیر آن باید کنار گذاشته شود (ابن جزری (الف)، بی‌تا: ۱، ۱۳).

۵-۵. وجود تناقض در برخی قرائات

نتیجه برخی قرائات مانند قرائت «یطهرن» در آیه «وَلَا تَقْرُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهَرْنَ» (بقره: ۲۲۲) به تخفیف و تشدید، به وجود آمدن برداشت‌هایی متناقض از آیات قرآنی است. چنانکه فقها بیان کرده‌اند، در صورتی که این کلمه به تخفیف خوانده شود، دال بر این است که بعد از پاک شدن زن از حیض، مجامعت با وی شرعاً جایز است و در صورت قرائت به تشدید، دال بر این است که مجامعت بعد از پاک شدن از حیض و غسل کردن، جایز است (معرفت، ۱۴۱۵: ۲، ۷۶ و ۷۷).

۶. تبیین و تطبیق نظریه دانشمندان متقدم در باب قرائات

بعد از روشن شدن این مطلب که اصطلاح دانشمندان متقدم، متفاوت از اصطلاح دانشمندان متأخر که تواتر قرائات مشهور را مطرح کرده‌اند، بوده است، لازم است نظریه دانشمندان متقدم تبیین و بیان شود که کدام یک از قرائات، منطبق با آن نظریه است. ادامه به این دو مسئله می‌پردازیم.

۱-۶. تبیین نظریه دانشمندان متقدم در باب قرائات

از مطالب مذکور در بررسی و نقد نظریه تواتر قرائات، به دست می‌آید که این قول با مشکلی جدی روبه‌روست و علاوه بر آنکه تواتر قرائات طبق اسناد موجود در کتب قرائات و حدیث، دفاع‌پذیر نیست و نیاز به توجیه دارد، معنا و محدوده آن نیز برای قائلان آن، روشن و متفق علیه نیست و قائلان و منکران آن، اقوال متعددی در این زمینه ارائه کرده‌اند؛ از این‌رو، به نظر می‌رسد با توجه به اینکه در کتب پیشینیان، اثری از قول به تواتر قرائات به چشم نمی‌خورد و با توجه به اشکالات وارد بر این قول، در صورتی که به اصطلاح دانشمندان متقدم در زمینه قرائات رجوع کنیم و اصطلاح تواتر را که بعداً وارد عرصه علم قرائات شده است کنار بگذاریم، می‌توان به یک نظر متفق علیه در مورد قرائات رسید.

چنانکه بیان شد، در تمامی کتب متقدم در زمینه قرائات و اصول، اصطلاح شهرت درباره قرائات به کار گرفته می‌شد و این اصطلاح بسیار آگاهانه انتخاب شده بود. در کتب مذکور، قرائتی که در میان عامه مردم مشهور بوده باشد و تلقی به قبول شده باشد، مقبول است. این همان معنایی است که ابن جزری، زرکشی و دیگران در توجیه تواتر قرائات بیان کرده‌اند (ابن جزری، ۱۴۱۹: ۷۹؛ زرکشی، ۱۴۲۱: ۲، ۲۱۲). با این توضیح روشن می‌شود که تواتر قرآن از طریق تواتر سندی قرائات قراء حاصل نشده است، بلکه قرائات قراء نمایان‌گر قرائات مشهوری است که به نحو تواتر از نسلی به نسل دیگر توسط مسلمانان، منتقل شده است.

۲-۶. تطبیق نظریه دانشمندان متقدم بر قرائات عاصم به روایت حفص

سؤال مطرح این است که با توجه به عدم تواتر سند قرائات، کدام قرائات مقبولیت عامه یافته و در قرآن رایج رعایت شده است؟ به عبارت دیگر، با توجه به اینکه در اصطلاح دانشمندان متقدم، هر قرائتی که شهرت پیدا کرده و در میان عامه مسلمانان، مقبولیت یافته باشد، قرائت صحیح شمرده می‌شود، کدام یک از قرائات حائز چنین معیاری است؟

با توجه به قرائتی که در ادامه می‌آید، می‌توان مدعی شد که از میان قرائات منسوب به نبی اکرم صلی الله علیه و آله، تنها قرائتی که از زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله در میان مردم رواج داشته و در اعصار مختلف به عنوان قرائت مشهور و مورد قبول عامه مردم بوده است، قرائت عاصم به روایت حفص است، که عاصم این قرائت را از ابو عبدالرحمان سلمی گرفته و سلمی نیز آن را از امیرالمؤمنین علی علیه السلام اخذ کرده است و قرآن را حرف به حرف بر ایشان عرضه نموده است (ابن مجاهد، ۱۴۰۰: ۶۸؛ ذهبی، ۱۴۱۷: ۵۲ و ۵۳؛ ابن جزری (ب)، بی‌تا: ج ۱، ص ۳۴۸).

وجوه برتری قرائت عاصم به روایت حفص بر دیگر قرائات

بررسی جایگاه علمی و وثاقت ناقلان این قرائت نشان می‌دهد که ایشان از ویژگی وثاقت در نقل، عدم اجتهاد در قرائت و جایگاه علمی بالا در قرائت برخوردار بوده‌اند. از جمله ویژگی‌هایی که برای این قرائت برشمرده‌اند آن است که بر خلاف بسیاری از قرائات که اجتهاد قاریان یا راویان در آن راه یافته است، ناقلان آن صرفاً تلاش بر نقل قرائت از طبقه پیش از خود داشته و تصریح کرده‌اند که هر یک بدون هیچ اعمال نظر و اجتهاد شخصی، عیناً همان قرائتی را که از استاد خود تلقی کرده‌اند، به دیگری انتقال داده‌اند (ابن مجاهد، ۱۴۰۰: ۷۰؛ ذهبی، ۱۴۱۷: ۵۲ و ۵۳؛ ابن جزری (ب)، بی‌تا: ۱، ۳۴۸).

سلمی (۱۰۵ق) بعد از عبدالله بن مسعود، قاری کوفه شد و روش او این بود که قرائت مورد اتفاق مسلمانان را که مطابق مصحف تهیه شده در زمان عثمان بود، مبنای آموزش قرائت قرار داد و به مدت چهل سال به ترویج قرائت عامه (مشهور میان مسلمانان) پرداخت (ابن مجاهد، ۱۴۰۰: ۶۷ و ۶۸؛ ابن جزری (ب)، بی‌تا: ۱، ۴۱۳). از او نقل شده است که قرائت ابوبکر، عمر، عثمان، زید بن ثابت و همه مهاجران و انصار یکی بود و ایشان همگی طبق قرائت عامه قرائت می‌کردند (ابوشامه مقدسی، ۱۴۲۴: ۷۱؛ زرکشی، ۱۴۱۰: ۱، ۳۳۱). وی از خواص یاران امام علی (علیه السلام) بود (برقی، بی‌تا: ۵؛ تفرشی، ۱۴۱۸: ۳، ۹۶). ابن داوود وی را جزء ممدوحین شمرده است (ابن داوود، ۱۳۹۲: ۱۱۸) و رجالیهون اهل سنت نیز وی را توثیق کرده‌اند (عجلی، ۱۴۰۵: ۲، ۲۶؛ ابن حبان، بی‌تا: ۵، ۹؛ ذهبی، بی‌تا: ۱، ۵۸).

عاصم (۱۲۷ یا ۱۲۸ق) نیز از دیدگاه دانشمندان شیعه و اهل سنت، شخصیتی بارز و مورد اعتماد در قرائت بوده است. عبدالله بن احمد بن حنبل از پدرش نقل می‌کند که وی درباره عاصم گفته است: عاصم شخصی ثقه، خیر و صالح است و بعد از قرائت اهل مدینه، قرائت او را بیشتر از دیگر قرائات دوست دارم (ذهبی، ۱۴۱۳: ۵، ۲۵۷). ابن خلکان درباره او گفته است: «او یکی از قاریان هفت‌گانه بود و در قرائت، مورد توجه دیگران بود» (ابن خلکان، بی‌تا: ۳، ۹). به لحاظ سندی نیز ذهبی می‌گوید: عالی‌ترین قرائت از طرف عاصم به ما رسیده است (ذهبی، ۱۴۱۷: ۵۴) و مکی بن ابیطالب و سیوطی گفته‌اند: اصح قرائات، قرائت نافع و عاصم است (عسقلانی، ۲۰۰۳: ۶۷؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ۱، ۲۷۳) و برخی نقل‌ها حکایت از آن دارد که عاصم تصریح دارد که قرائت او از قرائت سلمی و قرائت سلمی از

بررسی انگاره تواتر قرائات *قرائت‌پژوهی* / ۳۱

قرائت امام علی (علیه السلام) تخطی نکرده است (ذهبی، ۱۴۱۳: ۵، ۲۵۹ و ۲۶۰). نیز در روایتی، عاصم از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل کرده است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند: قرآن را آن گونه که فرا گرفتید، قرائت کنید (ابن مجاهد، ۱۴۰۰: ۴۷). وی بی تردید شیعه بوده و مورد تمجید دانشمندان شیعه است (امین، بی تا: ۷، ۴۰۷؛ خوانساری، ۱۳۴۹: ۵، ۴؛ صدر، بی تا: ۳۴۶ و ۳۴۷). از دیدگاه رجالیون اهل سنت، وی شخصی ثقه و قابل اطمینان در قرائت است (ذهبی، ۱۴۱۳: ۵، ۲۶۰؛ عسقلانی، ۱۴۱۵: ۱، ۴۵۶) و برخی از ایشان بیان کرده‌اند که او بالاجماع در قرائت، دقیق بوده است (خزرجی انصاری، ۱۴۱۱: ۸۷).

حفص بن سلیمان (۱۸۰ق) نیز که شاگرد و تربیت شده در خانه عاصم بوده است، یکی از دو راوی قرائت وی بوده، در کتب اهل سنت در قرائت توثیق شده است. او بارها قرآن را بر عاصم قرائت کرد و از بزرگان قرائت نقل است که او را در اتقان و ثبت قرائت حروف، بالاتر از ابوبکر عیاش، دیگر راوی قرائت عاصم، می دانستند و او را به ضابط بودن در قرائت توصیف می کردند و می گفتند: آنچه عاصم بر او قرائت می کرد، ضبط می کرد (ابن جزری (الف)، بی تا: ۱، ۸۶). زنجانی درباره او می گوید: «حفص مردی عالم و عامل و آگاه‌ترین اصحاب عاصم نسبت به قرائت وی بوده است» (زنجانی، ۱۴۰۴: ۹۲). شیخ طوسی وی را در زمره اصحاب امام صادق (علیه السلام) و امام کاظم (علیه السلام) شمرده است (طوسی، ۱۸۹، رقم: ۲۳۲۳ و ۳۳۵، رقم: ۴۹۸۶).

از طرفی قرائت عاصم مورد توجه بسیاری از دانشمندان اسلامی و عامه مردم بود و در تمامی ادوار تاریخ، قرائت او با عنوان قرائت برتر تلقی می شد؛ از این رو، در حلقه تعلیم قرائت، ابن مجاهد، پانزده نفر را مخصوص قرائت عاصم گماشته بود و برخی اساتید قرائت همچون ابراهیم بن محمد معروف به نفطویه، هرگاه برای قرائت آماده می شدند، با قرائت عاصم آغاز می کردند (معرفت، ۱۴۱۵: ۲، ۲۴۶؛ عسقلانی، ۱۴۰۶: ۱، ۱۰۹). هم‌اکنون مصحف رسمی تمام کشورهای اسلامی - به جز چند کشور معدود - طبق این قرائت است. مکی بن ابی طالب دلیل ارجحیت قرائت عاصم و نافع در نزد عامه مردم را چنین بیان کرده است: معیار اختیار یک قرائت در نزد دانشمندان این بود که آن قرائت، دارای سه شرط باشد: ۱- وجهی قوی و معتبر از جهت قواعد عربی داشته باشد؛ ۲- با رسم الخط مصاحف عثمانی قابل انطباق باشد؛ ۳- عموم مردم پذیرای آن بوده باشند. مراد از وجه مورد قبول در نزد عموم مردم، همان وجهی است که اهل مدینه و کوفه یا اهل مکه و مدینه بر آن اتفاق کرده باشند؛ بنابراین، قرائت مختار در نزد دانشمندان، قرائتی است که

نافع و عاصم بر آن اتفاق نظر داشته‌اند؛ لذا قرائت این دو نفر بر هر قرائتی برتری داشته و دارای صحیح‌ترین سند و نیز فصیح‌ترین لهجه در عربیت است (مکی بن ابیطالب، ۱۴۳۲: ۸۱). جالب توجه است که به لحاظ مطابقت قرائت عاصم با مصاحف مکتوب، هیچ یک از عالمان علم قرائت بر آن خورده نگرفته‌اند.

بنابراین با توجه به ویژگی‌های قرائت عاصم به روایت حفص، که اولاً اجتهاد شخصی در آن اعمال نشده است و ثانیاً مورد توجه تمام عالمان و قاریان بزرگ و عامه مردم در عصرهای مختلف بوده است و ثالثاً با مصحف مکتوب، مطابقت کامل دارد و رابعاً به لحاظ سندی نیز این قرائت به امیرالمؤمنین، امام علی (علیه السلام) باز می‌گردد و تمام عالمان علم قرائت سند این قرائت را سندی صحیح و مقبول دانسته‌اند، این قرائت تنها قرائتی است که قرآن را باید طبق آن قرائت شود.

نتیجه

با توجه به اینکه در حوزه قرائت متن قرآن، از زمان صحابه و تابعان اختلافاتی رخ داده است و در موارد اختلاف قرائات، شبهه عدم تواتر قرآن رخ می‌نماید، دانشمندان مسلمان برای دفاع از تواتر قرآن ادله‌ای برای اثبات تواتر قرآن اقامه کرده‌اند. یکی از راه‌هایی که بیشتر دانشمندان اهل سنت از قرن ۶ یا ۷ هجری به آن متمایل گشته‌اند و برخی علمای شیعه نیز راه ایشان را پی گرفته‌اند، اثبات تواتر قرآن از راه اثبات تواتر قرائات است؛ با این پیش‌فرض که قرائات و قرآن دارای حقیقتی واحد هستند. اما از مباحث مطرح‌شده روشن شد که قول به تواتر قرائات نه به لحاظ سندی اثبات شدنی است و نه می‌توان بر آن ادعای اجماع کرد؛ چرا که دارای مخالفانی از دانشمندان شیعه و اهل سنت است. نیز حقیقت واحد داشتن قرآن و قرائات، ادعایی اثبات‌پذیر نیست و نه تنها دانشمندان شیعه، بلکه برخی دانشمندان اهل سنت نیز با آن مخالفت کرده‌اند. نیز همان‌گونه که گذشت، نوشته یا نقلی از دانشمندان متقدم اسلامی در دست نیست که ایشان مدعی تواتر سند قرائت خود باشند.

بنابراین، پذیرفتن اصطلاح تواتر قرائات امکان‌پذیر نیست و تنها راه مقبول، بازگشت به اصطلاح دانشمندان متقدم، یعنی اصطلاح شهرت قرائات، است. مقصود از شهرت قرائات نیز مقبولیت عامه یافتن قرائات در جامعه اسلامی در عصرهای مختلف است و قرائتی که از میان قرائات منسوب به نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، بیشتر با این نظریه سازگاری است و از جهات مختلف بر دیگر قرائات برتری دارد، قرائت عاصم به روایت حفص است.

منابع

۱. ابن جزری، محمد بن محمد (۱۴۱۹ق)، *منجد المقرئين و مرشد الطالبین*، تحقیق علی بن محمد العمران، مکه مکرمه، دار عالم الفوائد.
۲. ابن جزری، محمد بن محمد (بی تا)، *النشر فی القرائات العشر*، بیروت، دار الکتب العلمیه (الف).
۳. ابن جزری، محمد بن محمد (بی تا)، *غایة النهایة فی طبقات القراء*، تحقیق ج. برجستراشر، قاهره، مکتبه المتنبی (ب).
۴. ابن جنی، ابوالفتح عثمان (۱۴۲۰ق)، *المحتسب فی تبیین وجوه شواذ القرائات والایضاح عنها*، بی جا، وزارت اوقاف.
۵. ابن حبان (بی تا)، *الثقات*، حیدر آباد هند، مؤسسة الکتب الثقافیه.
۶. ابن خالویه، حسین بن احمد (۱۴۲۱ق)، *الحجة فی القرائات السبع*، بیروت، مؤسسة الرساله.
۷. ابن خلدون (بی تا)، *تاریخ ابن خلدون*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۸. ابن خلکان (بی تا)، *وفیات الأعیان وأنباء أبناء الزمان*، تحقیق احسان عباس، لبنان، دار الثقافة.
۹. ابن داوود (۱۳۹۲ق)، *رجال ابن داود*، تحقیق سید محمد صادق آل بحر العلوم، نجف اشرف، مطبعة الحیدریه.
۱۰. ابن فارس (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق عبد السلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۱. ابن مجاهد، أبو بکر أحمد بن موسی (۱۴۰۰ق)، *کتاب السبعة فی القرائات*، تحقیق: شوقی ضیف، قاهره، دار المعارف.
۱۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
۱۳. ابو شامه مقدسی (۱۴۲۴ق)، *المرشد الوجیز الی علوم تتعلق بالکتاب العزیز*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۱۴. آل عصفور، میرزا محسن (بی تا)، *اتحاف الفقهاء فی تحقیق مسألة اختلاف القرائات و القراء*، بی جا.
۱۵. آمدی (۱۴۰۲ق)، *الاحکام*، تحقیق عبدالرزاق عقیفی، بی جا، المکتب الاسلامی.
۱۶. امین، سید محسن (بی تا)، *أعیان الشیعة*، تحقیق حسن امین، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.

٣٤ / قرأت شهرى سال دوم، شماره دوم، بهار و تابستان ١٣٩٣

١٧. انصارى، مرتضى (١٤١٥ق)، كتاب الصلاة، تحقيق لجنة تحقيق تراث الشيخ الاعظم، قم، المؤتمر العالمى.
١٨. باقلانى، ابو بكر محمد بن طيب (١٤٢٢ق)، الانتصار للقرآن، بيروت و عمان، دار الفتح و دار ابن حزم.
١٩. بخارى، ابو عبد الله محمد بن اسماعيل (١٤٢٢ق)، صحيح بخارى، تحقيق محمد زهير بن ناصر الناصر، بيجنا، دار طوق النجاة.
٢٠. برقى، احمد بن محمد بن خالد (بى تا)، الرجال، تهران، دانشگاه تهران.
٢١. بلاغى نجفى، محمد جواد (١٤٢٠ق)، آلاء الرحمن فى تفسير القرآن، قم، بنياد بعثت.
٢٢. بيللى، احمد (بى تا)، الاختلاف بين القرائات، بيروت، دار الجيل، بينا.
٢٣. تفرشى (١٤١٨ق)، نقد الرجال، تحقيق: مؤسسة آل البيت (عليه السلام) لاهياء التراث، قم، مؤسسة آل البيت (عليه السلام) لاهياء التراث.
٢٤. جزائرى، سيد نعمت الله (١٤٠٤ق)، الانوار النعمانية، بيروت، مؤسسة الاعلمى للمطبوعات.
٢٥. جوينى، عبد الملك بن عبد الله (١٤١٨ق)، البرهان فى اصول الفقه، تحقيق صلاح بن محمد بن عويضة، بيروت، دار الكتب العلمية.
٢٦. حر عاملى، محمد بن حسن (١٤٢٦ق)، تواتر القرآن، تهران، دار الكتب الاسلامية.
٢٧. حلى، حسن بن يوسف (١٤١٢ق)، منتهى المطلب فى تحقيق المذهب، مشهد، مجمع البحوث الاسلامية.
٢٨. حلى، حسن بن يوسف (١٤١٤ق)، تذكرة الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت (عليه السلام).
٢٩. حلى، حسن بن يوسف (١٤١٩ق)، نهاية الاحكام فى معرفة الاحكام، قم، مؤسسه آل البيت (عليه السلام).
٣٠. حلى، حسن بن يوسف (١٤٢٠ق)، تحرير الاحكام الشرعية على مذهب الامامية، قم، مؤسسه امام صادق (عليه السلام).
٣١. حلى، حسن بن يوسف (١٤٢٥ق)، نهاية الوصول الى علم الاصول، قم، مؤسسه امام الصادق (عليه السلام).
٣٢. حمد، حمد بن عبدالله (بى تا)، شرح زاد المستقنع، بى جا، بى نا.
٣٣. خراسانى، محمد كاظم (١٤٠٩ق)، كفاية الاصول، قم، مؤسسة آل البيت (عليه السلام).
٣٤. خزرجى أنصارى (١٤١١ق)، خلاصة تذهيب تهذيب الكمال، تحقيق عبد الفتاح أبو غدة، بيروت، دار البشائر الاسلامية.

بررسی انگاره تواتر قرائات قرآنی / ۳۵

۳۵. خوانساری، محمد باقر بن زین العابدین (۱۳۴۹ش)، *روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات*، بیجا، مکتبه اسماعیلیه.
۳۶. خویی، سید ابو القاسم (بی تا)، *البیان فی تفسیر القرآن*، قم، موسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
۳۷. دمیاطی، احمد بن محمد بن عبد الغنی (۱۴۲۲ق)، *اتحاف فضلاء البشر فی القرائات الاربعه عشر*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۳۸. ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۳ق)، *سیر اعلام النبلاء*، تحقیق شعیب الأرئووط و حسین الأسد، بیروت، مؤسسه الرساله.
۳۹. ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۷ق)، *معرفة القراء الکبار علی الطبقات و الاغصان*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۴۰. ذهبی، محمد بن احمد (بی تا)، *تذکره الحفاظ*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق - بیروت، دارالعلم الدار الشامیه.
۴۲. زرقانی، محمد عبدالعظیم (بی تا)، *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، بی جا، دار احیاء التراث العربی.
۴۳. زرکشی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۰ق)، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت، دار المعرفه.
۴۴. زرکشی، محمد بن عبدالله (۱۴۲۱ق)، *البحر المحیط فی أصول الفقه*، تحقیق محمد محمد تامر، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۴۵. زنجانی، ابو عبدالله (۱۴۰۴ق)، *تاریخ القرآن*، تهران، منظمة الاعلام الاسلامی.
۴۶. سبزواری، محمود عادل (۱۳۸۳ش)، *لغت نامه قرآن کریم*، تهران، نشر ثالث.
۴۷. سبکی، عبد الوهاب بن علی (۱۴۱۹ق)، *رفع الحاجب عن مختصر ابن الحاجب*، تحقیق علی محمد معوض و عادل أحمد عبد الموجود، بیروت، عالم الکتاب.
۴۸. سعیدان، شیخ ولید بن راشد (بی تا)، *تعریف الطلاب بأصول الفقه فی سؤال و جواب*، بی جا.
۴۹. سید مرتضی (۱۳۴۸ش)، *الذریعة الی اصول الشریعة*، تحقیق أبو القاسم گرجی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۵۰. سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۱ق)، *الاتقان فی علوم القرآن*، بیروت، دار الکتاب العربی.
۵۱. سیوطی، جلال الدین (بی تا)، *تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی*، تحقیق عبدالوهاب عبد اللطیف، ریاض، مکتبه - الرياض الحدیثه.

٣٦ / **قائمة مؤلفي** سال دوم، شماره دوم، بهار و تابستان ١٣٩٣

٥٢. شهيد اول، محمد بن مكى (١٤١٩ق)، *ذكرى الشيعة فى أحكام الشريعة*، قم، مؤسسه آل البيت (عليه السلام).
٥٣. شهيد ثاني، زين الدين بن على (١٣٧٨ش)، *المقاصد العلية فى شرح الرسالة الالفية*، تحقيق مركز الابحاث و الدراسات الاسلامية و محمد الحسون، قم، مركز انتشارات دفتر تبليغات اسلامى و مكتب الاعلام الاسلامى.
٥٤. شهيد ثاني، زين الدين بن على (١٤٠٩ق)، *حقائق الايمان*، تحقيق سيد مهدي رجائي، قم، كتابخانه عمومى آيت الله العظمى مرعشى نجفى.
٥٥. شيخ رضى، رضى الدين (١٣٩٥ق)، *شرح الرضى على الكافية*، تحقيق يوسف حسن عمر، تهران، مؤسسة الصادق.
٥٦. شيخ صدوق، محمد بن على (١٣٦٢ش)، *خصال*، تحقيق على اكبر غفارى، قم، دفتر انتشارات اسلامى جامعه مدرسين.
٥٧. شيخ صدوق، محمد بن على (١٤١٤ق)، *اعتقادات*، قم، المؤتمر العالمى للشيخ المفيد.
٥٨. صالح، صبحى (١٣٧٢ش)، *مباحث فى علوم القرآن*، قم، منشورات الرضى.
٥٩. صدر، سيد حسن (بى تا)، *تأسيس الشيعة*، تهران، منشورات اعلمى.
٦٠. صغير، محمد حسين على (١٤٢٠ق)، *تاريخ القرآن*، بيروت، دار المؤرخ العربى.
٦١. صفار، محمد بن حسن (١٤٠٤ق)، *بصائر الدرجات فى فضائل آل محمد*، قم، تحقيق محسن كوجه باغى، كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى.
٦٢. طباطبايى، محمد بن على (١٢٩٦ق)، *مفاتيح الاصول*، قم، مؤسسه آل البيت (عليه السلام).
٦٣. طباطبايى، سيد محمد حسين (١٤١٧ق)، *الميزان فى تفسير القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامى.
٦٤. طبرى، فضل بن حسن (١٤١٥ق)، *مجمع البيان لعلوم القرآن*، بيروت، مؤسسة الأعلمى للمطبوعات.
٦٥. طبرى، ابن جرير (١٤١٢ق)، *جامع البيان عن تأويل آى القرآن*، بيروت، دار المعرفة.
٦٦. طحان، محمود (بى تا)، *تيسير مصطلح الحديث*، مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، بى جا.
٦٧. طوسى، محمد بن حسن (١٤٢٨ق)، *رجال طوسى*، تحقيق جواد قيومى اصفهانى، قم، مؤسسه نشر اسلامى.
٦٨. طوسى، محمد بن حسن (بى تا)، *التبيان فى تفسير القرآن*، تحقيق احمد قصير عاملى، بيروت، دار احياء التراث العربى.

بررسی انگاره تواتر قرائات قرآنی / ۳۷

۶۹. طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸ش)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات اسلام.
۷۰. عثیمین، محمد بن صالح (۱۴۲۸ق)، *الشرح الممتع علی زاد المستقنع*، بیجا، دار ابن الجوزی.
۷۱. عجلی (۱۴۰۵ق)، *معرفة الثقات*، مدینه، مکتبة الدار.
۷۲. عسقلانی، ابن حجر (۱۴۰۶ق)، *لسان المیزان*، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۷۳. عسقلانی، ابن حجر (۱۴۱۵ق)، *تقریب التهذیب*، تحقیق مصطفی عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۷۴. عسقلانی، ابن حجر (۲۰۰۳م)، *فضائل القرآن*، بیروت، دار و مکتبه الهلال.
۷۵. عسکری، سید مرتضی (۱۴۱۶ق)، *القرآن الکریم و روایات المدرستین*، تهران، مجمع العلمی الاسلامی.
۷۶. عطار شافعی، حسن بن محمد بن محمود (بی تا)، *حاشیة العطار علی شرح الجلال المحلی علی جمع الجوامع*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۷۷. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، *تفسیر عیاشی*، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، تهران، المطبعة العلمیة.
۷۸. غزالی، ابو حامد (۱۴۱۷ق)، *المستصفی فی علم الاصول*، تحقیق محمد عبدالسلام عبدالشافی، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۷۹. غفاری، عبدالرسول (۱۳۸۸ش)، *نشوء القرائات*، قم، دلیل ما.
۸۰. فاضل موحدی لنکرانی، محمد (۱۳۹۶ق)، *مدخل التفسیر*، تهران، مطبعة الحیدری.
۸۱. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۸۲. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، قم، هجرت.
۸۳. فضلی، عبدالهادی (۱۴۰۵ق)، *القرائات القرآنیة تاریخ و تعریف*، بیروت، دار القلم.
۸۴. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵ق)، *تفسیر صافی*، تحقیق حسین اعلمی، تهران، صدر.
۸۵. قابه، عبد الحلیم بن محمد (۱۹۹۹م)، *القرائات القرآنیة، تاریخها، ثبوتها، حجیتها و احکامها*، بیروت، دار الغرب الاسلامی.
۸۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق)، *کافی*، قم، دارالحديث.
۸۷. مامقانی، عبدالله (۱۴۱۱ق)، *مقیاس الهدایة فی علم الدراية*، تحقیق محمد رضا مامقانی، قم، مؤسسة آل البيت (علیه السلام).

۳۸ / قرائت‌پژوهی سال دوم، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۳

۸۸. ماوردی، علی بن محمد بن محمد (۱۴۰۹ق)، *أعلام النبوة*، بیروت، دار و مكتبة الهلال.
۸۹. مجدد عباسی، محمد مسعود (۱۳۷۵ش)، *قراءات قرآنی از دیدگاه تشیع*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۹۰. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۹۱. مختار عمر، احمد و عبدالعال سالم مکرم (۱۴۱۲ق)، *معجم القراءات القرآنیة*، قم، اسوه.
۹۲. مصری انصاری، عمر بن قاسم (۱۴۲۲ق)، *المکرر فی ما تواتر من القراءات السبع*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۹۳. معرفت، محمد هادی (۱۴۱۵ق)، *التمهید فی علوم القرآن*، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۹۴. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، *مجمع الفائدة*، تحقیق حاج آقا مجتبی عراقی و شیخ علی پناه اشتهاردی و حاج آقا حسین یزدی اصفهانی، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۹۵. مکی بن ابیطالب، محمد (۱۴۰۲ق)، *کتاب التبصرة فی القراءات السبع*، تحقیق: محمد غوث الندوی، هند، الدار السلفية.
۹۶. مکی بن ابیطالب، محمد (۱۴۳۲ق)، *الابانة عن معانی القراءات*، تحقیق فغلی سید عرباوی، لبنان، بینا.
۹۷. مکی جریسی، محمد (۱۴۲۳ق)، *نهاية القول المفيد فی علم تجويد القرآن*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۹۸. مهدوی، احمد بن عمار (۱۴۱۸ق)، *بیان السبب الموجب لاختلاف القراءات و كثرة الطرق و الروایات*، تحقیق حاتم صالح الضامن، بیروت، عالم الکتب.
۹۹. مؤدب، سید رضا (۱۳۷۸ش)، *نزول قرآن و رؤیای هفت حرف*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۰۰. نجفی، حسن (۱۳۶۵ش)، *جواهر الکلام*، تحقیق و تعلیق شیخ عباس قوچانی، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
۱۰۱. نوری، حسین بن محمد تقی (بی تا)، *فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب*، چاپ سنگی، موجود در کتابخانه آیت الله العظمی حائری مدرسه فیضیه، شماره ثبت: ۹۱۲۳.

بررسی دیدگاه رژی بلاشر درباره قرائات قرآن*

مجید معارف**

چکیده

رژی بلاشر، قرآن پژوه فرانسوی، معتقد به وجود تعدد قرائات در صدر اسلام است. از نظر وی اختلاف قرائات در بدو نزول قرآن یکی از وجوه اختلاف مصاحف گردید و همین موضوع به دلیل اختلاف زایی در جامعه، نهایتاً سبب ساز توحید مصاحف گشت. پس از یکسان سازی مصاحف، عواملی چون ضعف رسم الخط و اعمال ذوق قاریان به گونه ای جدید به ظهور اختلاف قرائات انجامید که خود پدیده گزینش قرائات هفتگانه توسط ابن مجاهد را به دنبال داشت. آرای رژی بلاشر گرچه حقایقی در مسأله اختلاف قرائات را منعکس می کند، به جهت آنکه اولاً ریشه اختلاف قرائات را به عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بازگردانده و ثانیاً به صورت یک جانبه بر عقاید و منقولات اهل سنت از جمله باور به نزول قرآن بر اساس حروف هفتگانه استوار شده است، قابل نقد جدی است.

واژگان کلیدی: قرآن، اختلاف قرائات، مصاحف صحابه، رسم الخط عثمانی، احرف سبعه، قرائات هفتگانه، ابن مجاهد، رژی بلاشر.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۲۰ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۴/۳

**. استاد علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران maaref@ut.ac.ir

۱. مقدمه

موضوع قرائات قرآن، اختلاف و تعدد آن از جمله مسائل مورد پژوهش در بین قرآن پژوهان است که عالمان مسلمان و محققان خاورشناس هرکدام به گونه‌ای در زمینه آن به تحقیق پرداخته‌اند. رژی بلاشر در مقدمه‌ای که بر ترجمه قرآن خود به زبان فرانسه نگاشته است، به سهم خود به مسئله اختلاف قرائات، علل و عوامل آن، ظهور قرائات برتر و معیار آن، علاقه‌مندی نشان داده و در این باره نظریه‌پردازی کرده است. شناخت معنا و مفهوم قرائات، عوامل اختلاف قرائات و طبقه‌بندی آنها در طول زمان، داوری در صحت و سقم دیدگاه بلاشر در تحلیل اختلاف قرائات، از جمله مسائلی است که این مقاله متکفل پرداختن به آن است.

۲. رژی بلاشر و مطالعات قرآنی او

رژی بلاشر از دانشمندان معاصر فرانسوی است که در خصوص قرآن مجید، ادبیات عرب و دیگر مباحث علوم اسلامی صاحب آثار متعدد است (نک: رامیار، ۱۳۶۲: ۲-۳؛ بدوی، ۱۳۷۷: ۱۳۲-۱۳۴؛ حسینی طباطبایی، ۱۳۷۵: ۱۰۸-۱۱۲). مهم‌ترین اثر او در خصوص قرآن، ترجمه کامل قرآن به زبان فرانسوی است. او نهایت تلاش خود را به کار برده تا ترجمه‌اش در حد اعتدال و کمال فصاحت باشد، از این‌رو، ترجمه او یکی از بهترین ترجمه‌های قرآن به زبان‌های اروپایی شناخته شده است (رامیار، ۱۳۶۲: ۳). وی به عنوان مقدمه این ترجمه، تحقیقاتی در خصوص تاریخ قرآن و علوم قرآنی انجام داده که تبحر او در ورود به مباحث پیرامونی قرآن را نشان می‌دهد. [۱]

رژی بلاشر در مطالعات قرآنی خود علاوه بر مراجعه به منابع تاریخی، حدیثی و تفسیری مسلمانان، از آثار و افکار خاورشناسان قبل از خود، به ویژه تئودور نولدکه آلمانی، سود جسته است و کوشیده است به عنوان محقق منصف و بی‌طرف جلوه کند و از ابتدا به انگیزه زیر سؤال بردن قرآن و تخریب آثار اسلامی گام بر ندارد. به گفته برخی از محققان «در دیدگاه‌های بلاشر به هیچ وجه تند روی‌های امثال ویل، کازانوا و حتی گلدزیهر و ... دیده نمی‌شود؛ در نتیجه کتاب او خالی از حملات تند و بی‌رویه‌ای است که در جامعه اشتراق بود» (رامیار، ۱۳۷۸: ۵). بلاشر به این ترتیب در شمار خاورشناسانی قرار می‌گیرد که با انگیزه علمی به مطالعه اسلام، ادبیات عرب و قرآن پرداخته‌اند (نک: معارف، ۱۳۸۴: